



آیت‌الله قرهی: تنها خداوند هدایت می‌بخشد

قرهی در آغاز جلسه گفت: چرا پروردگار عالم بعد از تبیین هبوط همه ما، به صیغه جمع فرمود: «اهبطوا» و بعد هم به تأکید، «جميعاً» را هم بیان فرمود، از این جت و بهشت، همه‌تان هبوط کنید، اولاً پروردگار عالم تبیین فرموده که این هدایت، متعلق به خودش است. بیان کردیم: صراط مستقیم و هدایت، فقط یکی است و همه چیز در باب هدایت، از ناحیه‌ی خداست. در جلسات عقل بیان کردیم که حتی عقل هم که به عنوان هادی الهی است؛ چون از ناحیه‌ی خداست، هدایت است. هرکس هم که از هادیان الهی تبعیت کند، خوف و حزنی نخواهد داشت.

آیت‌الله قرهی در جلسه تفسیری این هفته خود به آیه «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعاً فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» فرمودیم جملگی از آن فرود آیید پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد آنان که هدایت‌م را پیروی کنند بر ایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد» (بقره/ ۳۸) پرداخت.

قرهی در آغاز جلسه گفت: چرا پروردگار عالم بعد از تبیین هبوط همه ما، به صیغه جمع فرمود: «اهبطوا» و بعد هم به تأکید، «جميعاً» را هم بیان فرمود، از این جت و بهشت، همه‌تان هبوط کنید، اولاً پروردگار عالم تبیین فرموده که این هدایت، متعلق به خودش است. بیان کردیم: صراط مستقیم و هدایت، فقط یکی است و همه چیز در باب هدایت، از ناحیه‌ی خداست. در جلسات عقل بیان کردیم که حتی عقل هم که به عنوان هادی الهی است؛ چون از ناحیه‌ی خداست، هدایت است. هرکس هم که از هادیان الهی تبعیت کند، خوف و حزنی نخواهد داشت.

آیت‌الله قرهی افزود: پروردگار عالم در سور مختلف و در آیاتی، تبیین کردند که این هدایت، متعلق به خود من است. از جمله، سوره بقره، که فرموده: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيراً وَ نَذِيراً وَ لَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ: مَا تُوْرَا بِحَقِّ فَرْسَتَادِيْم تَا بَشَارَتِكُر وَ بِيْم دهنده باشی و [لی] درباره دوزخیان از تو پرسشی نخواهد شد» (بقره/ ۱۱۹)

این مفسر قرآن ادامه داد: این نکته بسیار مهم است که پروردگار عالم دارد اتمام حجت می‌کند. می‌خواهم بیان کنم که هدایت، همه، یکی است و همه از ناحیه خداست و انبیاء هم به عنوان هادیان الهی یک هدف را دارند. کتاب، انبیاء و عقل را هم که فرموده هادی هستند، همه، از ناحیه‌ی خداست. پس مختصر و مفید این بحث، این است که هر چه از ناحیه خدا باشد، هدایت است. هر چه غیر خدا باشد، ضلالت است.

قرهی تصریح کرد: پس پروردگار عالم فرمود: «قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَى»، هدایت از ناحیه‌ی خداوند تبارک و تعالی است. لذا در این آیه شریفه مورد بحثمان هم فرمود: «فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى»، یعنی پروردگار عالم «هدی» را به خودش نسبت داد و باز هم فرمود: فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ، باز هدایت متعلق به خود خدا شد.

وی با بیان بیان اینکه هدایت از کس دیگری نیست، گفت: انبیاء هم به عنوان هادیان الهی یعنی از طرف خود خدا هستند. کما این که پروردگار عالم فرمود: «و جعلنا منهم أئمةً يهدون بامرنا»، این‌ها به امر ما هدایت می‌کنند. یکی از بزرگ‌ترین خصایص هادیان الهی، این است که مردم را دعوت به خود نمی‌کنند، بلکه مردم را به خدا دعوت می‌کنند؛ چون هدایت از ناحیه‌ی خداست و آن‌ها از ناحیه‌ی خدا آمده‌اند.

سوره‌ی حج و لقمان: مجادله‌کنندگان در مورد خدا، بدون علم و هدایت هستند
این مفسر قرآن افزود: آیه شریفه دیگری در سوره حج است که می‌فرماید: «وَ مِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى وَ لَا كِتَابٍ مُّتَّبِعٍ: وَ از [میان] مردم کسی است که در باره خدا بدون هیچ دانش و بی هیچ رهنمود و کتاب روشنی به مجادله می‌پردازد» (حج/ ۸) در شأن نزول این آیه‌ی شریفه بیان شده: مثل ابوجهل و نصر بن حارث که از روی جهل و گمراهی و بدون هیچ دلیل، مجادله می‌کردند. این آیه‌ی شریفه می‌فرماید: برخی از مردم، بدون علم و بدون دلیل و برهانی و بدون کتاب آشکار و حجت روشنی در مورد خدا، مجادله می‌کنند.

قرهی در پایان گفت: پس معلوم می‌شود که حتی آن‌هایی که استدلال‌هایی می‌چینند تا با خدا مجادله کنند، کارشان بدون علم و دلیل است. یکی از استدلال‌هایشان این بود که پیشینیان ما هم بت می‌پرستیدند، زندگی‌شان هم خیلی خوب بود و به جایی هم برنخورده. حالا تو آمدی، باعث شدی اختلاف انداختی، یک عده هم که در شعب ابی‌طالب ورود پیدا کردند و محاصره‌ی اقتصادی شدند. پس تو همه چیز را بر هم زدی و تا قبل، همه چیز خوب بود. مکه هم یک جایگاه امن بود که مردم از جاهای دیگر می‌آمدند و دارالتجاره خوبی هم بود. کسی هم مشکل نداشت. یعنی به نام هدایت، ضلالت را ایجاد می‌کردند.